

بسم الله الرحمن الرحيم

## تحولات اخیر در لیبیا

(ترجمه)

### پرسش

بعد از درگیری‌های پراکنده بین نیروهای حفتر، مزدور آمریکا و نیروهای سراج، مزدور اروپا، حفتر حمله خود را به سمت طرابلس پایتخت لیبیا از سر گرفت. آیا حفتر که آمریکا در پشت پرده از وی حمایت می‌کند، باور دارد که به طرابلس دست خواهد یافت؟ چی باعث شد که این درگیری‌ها با این شدت از سر گرفته شود؟ هم‌چنان واقعیت حمایت ترکیه از حکومت فایزسراج در طرابلس چی می‌باشد؟ هم‌چنان سوال است، آیا روسیه در لیبیا دخالت خواهد کرد و یا نوع ترساندنی است که تظاهر می‌نماید؟ به همین ترتیب از کنفرانس برلین که آلمان به خاطر حل مشکلات لیبیا فراخوانده بود، چی انتظار می‌رود؟

### پاسخ

**یکم:** بعد از این که آمریکا موفق شد تا بر مزدورش حفتر من حیث یک عنصر مهم نظامی در زد و بندهای لیبیا نفوذ خود را تحمیل کند، لیبیا به دو بخش تقسیم شد. مناطقی که مزدور آمریکا بر آن تسلط دارد، منطقه نفوذ آمریکا است، متباقی مناطق لیبیا مناطق نفوذ مزدوران انگلیس و اروپا می‌باشد. وقتی آمریکا حمایت نظامی خود را برای مزدورش حفتر مخصوصاً از طریق مصر انجام بیشتر کرد، نفوذ آمریکا در لیبیا بیشتر شد، چنانچه نفوذ آمریکا از حمله حفتر در جنوب لیبی واضح می‌شود، برعکس نقص و کاهش نفوذ اروپا در این منطقه مخصوصاً با حمله حفتر بالای طرابلس به وضوح معلوم می‌شود.

در اوائل ماه اپریل 2019 م حفتر که آمریکا به حمایت آن است، می‌خواست بر حکومت سراج مزدور اروپا در طرابلس فشار وارد کند تا آمریکا در گفتگوهای سیاسی سهم بیشتری بگیرد. بناءً در اوائل ماه اپریل 2019 م حمله حفتر بر طرابلس صورت گرفت، درست بعد از آن که وی قبلاً بر جنوب طرابلس دست یافته بود تا الجزائز را مشغول سازد که همین حمله قوت حفتر را شکل داد. آمریکا تلاش کرد که حکومت رسمی در طرابلس از بوتقه بیرون شود و این به شکل بود که به صورت علنی به حفتر مانند رئیس یک حکومت رسمی تماس گرفت. (منبع: سکای نیوز عربی 19 اپریل 2019 م)

**دوم:** اروپا در برابر این عمل کرد آمریکا جز پیش گرفتن مسأله سیاسی دیگر راه نیافت، پس دعوت مستقیم نخست وزیر آلمان در کنفرانس بین المللی برلین به خاطر حل بحران لیبیا بود؛ با وجودی که این تلاش‌ها نتوانست وقتی مشخصی را برای برگذاری کنفرانس تعیین کند؛ یعنی میعاد معینی برای کنفرانس آینده تعیین نشد تا این کنفرانس در پایتخت آلمان برلین دائر گردد. (منبع: دوتشیه فیلیه 7 دسامبر 2019 م)

مگر خبرهای رسانه‌ای غیر موثق وجود داشت که این کنفرانس در اواخر همین ماه برگزار خواهد شد. به هر صورت، همین مسئله در ذات خودش خواست اروپا بود که این خواست خود را از طریق کنفرانس گروه هفت اقتصادی خواست (گروه هفت قدرت اقتصادی صنعتی بزرگ به خاطر حل معضل لیبیا به سوی کنفرانس بین المللی فراخوانده اند، این گروه در اخیر نشست‌شان در روز دوشنبه در شهر "بیاریتس" فرانسه گفتند، لازم است که همه اطراف و قوت‌های منطقه‌ای در این کنفرانس شرکت نمایند.) (منبع: قدس العربی

26 اگست 2019 م)

دولت‌های اروپائی در کنفرانس برلین موقف روشنی گرفت تا بتواند که مزدورانش را حفظ نموده و از این طریق نفوذ خود را در لیبیا حفظ نماید(سراج در روز سه شنبه "لویدجی دی مایو" وزیر خارجهٔ ایتالیا را استقبال کرد، کسی که وعدهٔ حمایت ایتالیا را از امنیت و ثبات لیبیا را داد. "لویدجی دی مایو" تاکید کرد که راه‌حل نظامی در لیبیا وجود ندارد، هم‌چنان او گفت، کشورش تلاش‌های مسالمت‌آمیز را به خاطر بازگشت به سوی راه‌حل سیاسی تأیید می‌کند. او گفت که وی امیدوار است کنفرانس برلین یک توافقی برای همهٔ دولت‌های که در مورد موضوع لیبیا توجه دارند، به وجود بیاورد.) (منبع: اندپندنت عربی 17 دسامبر 2019م)

**سوم:** واضح گردید که امریکا بسیار تلاش نمود تا برای برگزاری کنفرانس برلین هم‌گام با اروپا حرکت نماید؛ مخصوصاً بعد از آن که نمایندهٔ امریکا در امور لیبیا برای کنفرانس برلین شرائطی را وضع نمود(غسان سلامت نمایندهٔ سازمان ملل در امور لیبیا از وضع سه شرط در حین آماده‌گی‌ها برای برگزاری کنفرانس برلین پرده برداشت، این در حالی بود که وی تاکید داشت که باید در حاشیهٔ این کنفرانس انجام شود).

این موقف‌گیری نمایندهٔ بین‌المللی از تعامل امریکا در مورد کنفرانس برلین پرده بر داشته و واضح می‌سازد که همین علت مشکل شدن تعیین وقت کنفرانس شده است، اما امریکا به این حالت هم اکتفاء نکرده بلکه او روسیه و ترکیه را در مناطق لیبیا داخل نمود. به این ترتیب قضایای منطقوی مربوط به لیبیا پیچیده شده و به این شکل تأثیر امریکا بالای این کنفرانس قبل از انعقاد آن با داخل نمودن روسیه و ترکیه نمایان شد؛ پس اروپا عنصر مهمی برای حل بحران لیبیا نبوده و به همین دلیل نفوذ اروپا در این مورد ضعیف و کم‌رنگ است.

به این ترتیب انتظار می‌رود در صورتی که کنفرانس برلین برگزار گردد، نتایج این کنفرانس مطابق به خواست اروپا نبوده بلکه اروپا تلاش می‌نماید تا در موقف امریکا بر تأیید این کنفرانس و حضورش به هر شکل ممکن تأثیر گذارد؛ حتی مسولین اروپائی تلاش دارند که امریکا را وادار سازند تا در این کنفرانس شرکت نمایند تا جایی که به نماینده‌گی از امریکا می‌گویند که امریکا در این کنفرانس حاضر می‌شود «ماس وزیر خارجهٔ المان در جریان کنفرانس مطبوعاتی با "لویدجی دی مایو" تصریح نموده که امریکا به کنفرانس برلین اهمیت داده و امریکا تمام تلاش خود را برای موفقیت این کنفرانس به خرج می‌دهد». (منبع: عین لیبیا 10 نومبر 2019م) یعنی امریکا این مسئله را تصریح ننموده؛ بلکه امریکا بر لیبیا توجه دارد. بعد از کنفرانس مقدماتی تاریخی 17 سپتمبر 2019م در برلین "ریچارد نورلاند" سفیر امریکا در لیبیا به الجزائر سفر کرده و با "بوقادوم" وزیر خارجهٔ الجزائر نشست نمود، هرچند او در کنفرانس برلین دعوت نشده بود. (منبع: قدس عربی 2019/11/2م) این مسئله دلالت دارد که امریکا متوجه وضع لیبیا بوده و نگران است که مبادا الجزائر در این موضوع دخالت کند.

**چهارم:** این که امریکا چگونه اوضاع را با وارد نمودن روسیه و ترکیه به میدان بحران لیبیا و به منظور تضعیف موقف اروپا و حکومت سراج مختل نمود، جزئیات آن قرار ذیل است:

الف) امریکا برای روسیه جهت مداخله در قضیه لیبیا و کمک به مزدورانش حفر چراغ سبز نشان داد و اندکی بعد شرکت امنیتی "واگنر" روسیه در لیبیا بظاهر شد. این شرکت روسی شبیه شرکت جنایتکار "بلک واتر" امریکاست که در عراق ظاهر گردید. به نظر می‌رسد امریکا از روسیه خواسته شرکت "واگنر" خویش را جهت کمک به حفر وارد این کشور کند. این شرکت به تجهیزات پیشرفته نظامی روسیه مجهز است، مانند دستگاه اختلال پروازها که باعث خواهد شد پله نظامی حفر در برابر دشمنان اش سنگین تر شود.

شرکت "واگنر" مستقیماً زیر نظر پوتین فعالیت می‌کند و کار آن این است که در پیمان کاری‌های نظامی خارجی فعالیت نموده و دست‌آورد داشته باشد. پوتین اعتراف نمود که به درخواست امریکا پاسخ مثبت داده، چنان چه گفت: «روسیه با حفر و حکومت سراج تماس دارد.» (منبع: روسیه امروز 19 دسامبر 2019م) در عین حال می‌دانیم که امریکا نیز از حفر حمایت می‌کند. «قصر سفید در آن زمان اعلان نمود که ترامپ به نقش مهم حفر در مبارزه با ترورزم و تأمین امنیت منابع نفتی لیبیا اعتراف نموده.» (منبع: دویچ ویله آلمان 24 نومبر 2019م) امریکا سعی دارد طوری وانمود کند که لیبیا میدان کشمکش میان امریکا و روسیه است. آژانس دویچ ویله آلمان به تاریخ 24 نومبر 2019م به نقل از شماری از مسئولین حکومتی امریکا گفت: «امریکا از تمامیت ارضی و رهبری لیبیا در برابر تلاش‌های روسیه برای سوء استفاده از بحران موجود بر ضد منافع مردم لیبیا حمایت می‌کند.»

ب) در مورد چگونگی ظهور نقش ترکیه در بحران لیبیا باید گفت که ترکیه بسیار صریح و واضح خود را در این بحران دخیل نمود؛ «اردوغان رئیس جمهور ترکیه و فایز سراج نخست وزیر لیبیا به تاریخ 27 نومبر 2019م تفاهمنامه همکاری‌های امنیتی و نظامی میان انقره و طرابلس و تشخیص عرصه‌های بحری را امضاء نمودند. اردوغان خطاب به خبرنگاران گفت: «مصر در لیبیا چه می‌کند؟ حکومت ابوظبی در لیبیا چه می‌کند؟» اردوغان در خصوص نقش روسیه گفت: «آن‌ها به صفت مزدور و در چهارچوب گروهی موسوم به "واگنر" در لیبیا فعالیت دارند و معلوم است که کی آن‌ها را تمویل می‌کند.» وی افزود: «اوضاع از این قرار است و قطعاً درست نیست ما در برابر این وضعیت دست بسته ناظر بمانیم و ما تا کنون هر آن‌چه در توان داشتیم به خرج دادیم و این کار را ادامه خواهیم داد.» (منبع: الجزیره نت 20 دسامبر 2019م) پس از آن بود که پارلمان ترکیه با این برنامه اردوغان موافقت نشان داد. «پارلمان ترکیه با رأی موافق و 184 رأی مخالف به حکومت اجازه داد، نیروهای ترکیه را جهت حمایت از حکومت به رسمیت شناخته شده لیبیا به رهبری سراج به این کشور بفرستد. بر اساس این برنامه قرار است نیروهای غیر جنگی ترکیه به صفت مشاورین و تمرین دهنده‌گان نیروهای حکومت قانونی لیبیا به این کشور فرستاده شود تا آنان را در جنگ علیه نیروهای خلیفه حفر در طرابلس کمک نمایند.» (منبع: بی بی سی عربی 2 جنوری 2020م)

**پنجم:** واقعیت اینست که امریکا با نقش دادن به ترکیه در لیبیا دنبال حمایت از سراج نیست؛ چنان که اردوغان ادعا می‌کند، بلکه با دقت نمودن به اوضاع جاری روشن خواهد شد که اهداف امریکا از این کار، اهدافی داخلی، منطقه‌ای و بین المللی است و به گمان اغلب قرار ذیل است:

1. داخلی؛ گروه‌های نظامی زیادی زیر پرچم حکومت سراج فعالیت دارند که گروه‌های "اسلامی میانه‌رو" تلقی می‌گردند و ترکیه پیش از این مداخله با آن‌ها در تماس بوده. اینک برای ترکیه کار ساده‌ای است که این گروه‌ها را به جانب خود بکشد، کاری که در سوریه با گروه‌های وابسته به خود نمود تا مناطق دست داشته‌شان را تسلیم بشاراسد جنایت کار کنند. بنابر این ترکیه در لیبیا دنبال استفاده از جریان‌های وفادار به خودش جهت تضعیف حکومت سراج در برابر حفر است. مطمئناً سراج می‌داند که اردوغان در محور امریکا می‌چرخد و این که دخالت‌اش در لیبیا به هدف کمک به وی نیست، بلکه به هدف فریب دادن او است تا با خارج نمودن گروه‌های طرفدار خود از مناطق حساس، پله حفر را سنگین‌تر کند؛ درست کاری که در سوریه با این نوع گروه‌ها نمود. اما سراج سعی دارد در هماهنگی با اروپا خود را به ترکیه نزدیک نموده و ترکیه به رهبری اردوغان را وادار کند از حکومت‌اش به صفت حکومت قانونی و به رسمیت شناخته شده جهانی حمایت نماید، زیرا حق دارد از هر دولتی طلب همکاری نماید و با این کار امریکا

را نگران کند. سپس با سر و صداهایی که اروپا در پی مداخله ترکیه در سطح جهانی به راه می‌اندازد، زمینه اعتراض به مداخله امریکا و سپس مصر را فراهم آورد. سراج و اروپا که پشت سر آن قرار دارد انتظار دارند این نگرانی امریکا و سر و صدایی که اروپا به راه خواهد انداخت بالای امریکا تأثیر گذاشته و فشارهای حفره و مصر بالای سراج را کاهش دهد.

2. منطقه‌ای: مصر فرصت خواهد یافت به بهانه مداخله نظامی ترکیه، حمایت‌هایش از حفره را با قوت بیشتر افزایش دهد، در حالی که الجزایر به دلیل شرایط داخلی که دارد توان کمک به سراج را ندارد. ممکن است مصر نیروهای نظامی‌اش را علناً و مستقیماً برای جنگیدن وارد لیبیا کند، اما پشتیبانی ترکیه از حکومت سراج کاملاً نمادین بوده و هیچ اهمیت قابل توجهی نخواهد داشت، درست مانند پشتیبانی ترکیه از گروه‌های سوریه وابسته به آن، زیرا گذشته از این که اهداف ترکیه از این پشتیبانی در حد سر و صدا و سخن خلاصه می‌شود و کمک‌های اندکی را به هدف به دام انداختن آن گروه‌ها پیش کش خواهد نمود، موقعیت ترکیه از لیبیا فاصله زیادی دارد. گروه‌هایی نظامی لیبی که به پشتیبانی و کمک‌های ترکیه دل خوش کرده اند، چیزی جز سراب نخواهند دید.

3. جهانی: مداخله ترکیه در بحران لیبیا، این بحران را تبدیل به میدان کشمکش میان ترکیه و روسیه خواهد نمود، اتفاقی که همین الان افتاده، چنانچه اردوغان در اظهارات‌اش به حضور نظامی روسیه در لیبیا اعتراض دارد و روسیه از مداخله ترکیه اظهار نارضایتی می‌کند و سپس دو طرف در مورد توافقات میان ترکیه و روسیه در خصوص قضیه لیبیا مطرح می‌گردد! این قضیه شباهت کاملی به دسیسه‌های ترکیه و روسیه در قضیه سوریه دارد.

4. به نظر می‌رسد اردوغان سعی دارد از توافقی که با سراج در خصوص اکتشاف منابع گاز و پترول داشته سوء استفاده نماید و این را فرصت مناسبی برای نیرنگ زدن یافته، چنانچه «فاتح دونماز وزیر انرژی ترکیه گفت: به مجرد صدور توافق تقسیم حدود بحری و ثبت آن در سازمان ملل، ترکیه کار صدور جوازهای اکتشاف و تولید نفت و گاز را در این منطقه آغاز خواهد نمود. وی افزود: فکر می‌کنم ما این کار را در ماه‌های نخست سال 2020 م عملاً آغاز کنیم.» (منبع: رویترز 18 دسامبر 2019 م) می‌دانیم که تلاش‌های ترکیه در جهت جستجوی گاز در بحر متوسط به عمق 100 کیلومتری سواحل ولایت انتالیا، که از اکتوبر 2018 م آغاز گردید، چندان جدی نبود و به کوبیدن آب در هاون شباهت داشت، چنانچه وزیر انرژی ترکیه خود اعتراف نمود که ترکیه هنوز کار اکتشاف نفت و گاز را آغاز نکرده، هرچند کشتی‌هایی را به این هدف ارسال نموده. اما اینک ترکیه قصد دارد به مردم طوری وانمود کند که دنبال نفت و گاز است و هدف‌اش از مداخله در بحران لیبیا، تأمین منافع ترکیه می‌باشد، در حالی که واقعیت اینست که دارد نقش فریبنده‌ای را در لیبیا به نفع امریکا بازی می‌کند.

**ششم:** در مورد یک‌طرفه شدن جنگ طرابلس باید گفت: نشانه‌هایی در ماه‌های اخیر برجسته گردیده که بیانگر سنگین‌تر شدن پله حفره در این جنگ است:

1. اروپا به دلیل صحنه‌سازی که امریکا با وارد نمودن روسیه و ترکیه در بحران لیبیا به راه انداخته متزلزل شد، از طرفی مصر نیز، چنانچه اشاره نمودیم، نقش خویش را فعال‌تر نمود و به این ترتیب حفره تشویق شد فعالیت‌های نظامی خویش را در طرابلس شدت بیشتری دهد. «خلیفه حفره فرمانده کل نیروهای موسوم به اردو/لشکر ملی لیبیا شام پنج شنبه 12 دسامبر 2019 م از آغاز

جنگ فیصله کننده به جانب طرابلس خبر داد و از خطوط اول جنگ خواست به قوانین جنگ پایبند بمانند. وی که لباس نظامی بر تن داشت و در یک سخنرانی تلویزیونی سخن می‌گفت خطاب به تمام واحدهای نظامی در طرابلس گفت: امروز از جنگ فیصله کننده و پیش روی به جانب طرابلس خبر می‌دهیم.» (منبع: دوچ ویله آلمان 12 دسامبر 2019م) روند رو به افزایش فعالیت‌های نظامی بعد از آن تا کنون پیوسته ادامه دارد.

2. روسیه به ویژه شرکت "واگنر" پس از دریافت چراغ سبز از جانب امریکا وارد لیبیا شده و در کنار حفتر مزدور امریکا در این سرزمین قرار گرفت. شرکت واگنر روسیه مجهز به تجهیزات پیشرفته نظامی از قبیل سیستم اختلال در روند پرواز است که خود عنصر مهمی در سنگین‌تر شدن پله نظامی حفتر در برابر دشمنان‌اش به شمار می‌رود. پوتین رئیس جمهور روسیه به پذیرفتن درخواست امریکا در این زمینه اعتراف نموده گفت: «روسیه با حفتر و حکومت سراج تماس دارد.» (منبع: روسیه امروز 19 دسامبر 2019م)

3. گروه‌های نظامی زیادی زیر پرچم حکومت سراج فعالیت دارند که گروه‌های "اسلامی میانه‌رو" تلقی می‌گردند و ترکیه پیش از این مداخله با آن‌ها در تماس بوده. اینک برای ترکیه کار ساده‌ای است که این گروه‌ها را به جانب خود بکشد، کاری که در سوریه با گروه‌های وابسته به خود نمود تا مناطق دست داشته‌شان را تسلیم بشارسد جنایت کار کنند. بنابر این ترکیه در لیبیا دنبال استفاده از جریان‌های وفادار به خودش جهت تضعیف حکومت سراج در برابر حفتر است. این از یک طرف، از طرف دیگر اعلان مداخله ترکیه در قضیه لیبیا به پشتیبانی از سراج در حقیقت مقدمه‌ای خواهد بود برای اعلان مداخله علنی مصر در لیبیا و پایان دادن به مداخله سری.

4. نیرنگ‌بازها میان ترکیه و روسیه: طوری که ترکیه وانمود می‌کند که انگار به پشتیبانی از سراج مداخله نموده و اردوغان به روسیه می‌تازد که چرا از حفتر حمایت می‌کند، چنان چه گفت: «آنان افراد ماهر و تربیت شده‌ای را به نفع حفتر در لیبیا استخدام می‌کنند و این کار را توسط گروه موسوم به "واگنر" انجام می‌دهند و روشن است که چه کسی آنان را تمویل می‌کند.» وی افزود: «اوضاع از این قرار است و قطعاً درست نیست ما در برابر این وضعیت دست بسته ناظر بمانیم و ما تا کنون هر آن‌چه در توان داشتیم به خرج دادیم و این کار را ادامه خواهیم داد.» (منبع: الجزیره نت 20 دسامبر 2019م) دو روز بعد از دیداراش با پوتین سخن می‌گوید: «من و پوتین هیأتی را جهت بررسی تحولات لیبیا تشکیل داده ایم و قرار است مسؤولین دو کشور به زودی در این خصوص با هم ملاقات کنند.» (منبع: تلویزیون این تی فی ترکیه 18 دسامبر 2019م) درست مانند زمانی که با روس‌ها ملاقات و همکاری می‌نمود؛ در حالی که آنان مردم سوریه را شب و روز با بمباران می‌کردند، اما اردوغان منافقانه وانمود می‌کرد که به هدف پشتیبانی از گروه‌های نظامی و مردم سوریه وارد این سرزمین شده. دو طرف گمان می‌کنند دارند بازی پوشیده و نامرئی را انجام می‌دهند، در حالی که همه از آن آگاهی دارند! چنان‌چه شبکه الجزیره نت به تاریخ 20 دسامبر 2019م به نقل از سایت ایل سوسو دیریوای ایتالیا نوشت: «بحران لیبیا شاهد بازی ترکیه و روسیه است و توافق‌نامه‌ای در خصوص بحر سیاه میان طرفین در حال انجام شدن است، انگار دو طرف آماده اند تجربه صلح سوریه را در لیبیا تکرار کنند.» برملا شدن نیرنگ‌بازی‌ها میان ترکیه و روسیه راه را برای فعال‌تر شدن حفتر هموار می‌کند.

این عوامل چهارگانه موقف حفتر را تقویت نموده و وی را تشویق خواهد نمود جنگ در طرابلس را شدت بخشد و طبیعی است که این عوامل توسط امریکا ترتیب و مدیریت می‌شود. این در خصوص حفتر و جبهه وی، اما در مورد سراج و جبهه او باید گفت که شکی نیست اروپا، به ویژه انگلیس، فرانسه و ایتالیا از وی پشتیبانی می‌کنند، به علاوه این که گروه‌های جنگی سخت‌کوشی در اختیار دارد، به ویژه جنگجویان مصراته. اما تداوم مداخلات بیرونی، چنان که در فوق بیان گردید و افزایش فشارهای نظامی بالای طرابلس و جلب و جذب گروه‌هایی از داخل نظامیان سراج به جانب ترکیه، همه و همه بیانگر این است که نفوذ اروپا در لیبیا رو به تزلزل گذاشته و بسیار دشوار به نظر می‌رسد جریان بزرگ سیاسی وابسته به انگلیس و اروپا در لیبیا موفق شوند این نفوذ را از این مهلکه نجات دهند، مخصوصاً بعد از این که امریکا با وارد نمودن روسیه و ترکیه در میدان این بحران، اوضاع را مختل نمود، یعنی حوادث اخیر و شواهد موجود بیانگر این است که به مشکل می‌توان تصور نمود نفوذ اروپا در لیبیا به حالت قبلی خود بر گردد. اما با آن هم باید گفت که یک‌طرفه نمودن بحران از طریق نظامی در زمان قابل پیش‌بینی کار آسانی نیست و بنابر این انتظار می‌رود دو طرف "امریکا و اروپا" بر اساس طریقه سرمایه‌داری شان به راه‌حل‌های سیاسی روی آورند. ممکن است دشوار شدن حل نظامی بحران برای یک طرف آن را وادار کند "حل وسط" را مطرح نموده و دستاوردهای سیاسی را در برابر دستاوردهای نظامی بپذیرد، دستاوردهای نظامی که در حال حاضر به نفع حفتر یعنی امریکا می‌چرخد.

**هفتم:** در اخیر باید گفت آن‌چه بیشتر از هم دردآور است اینست که سرزمین‌های مسلمانان میدان کشمکش کفار استعمارگر و توسط ابزاری از فرزندان خود ما مسلمانان و به نفع کفر و کفار باشد، فرزندان که حکام خائن سرزمین‌های مسلمانان برای خوش‌خدمتی به کفار جهت بقای خویش بر اریکه‌های شکسته و ناپایدار قدرت از آنان استفاده می‌کنند. این حکام خاین نمی‌دانند که سر انجام امور در دست پرهیزگاران، اسلام و اهل اسلام خواهد بود و آنگاه همه از کرده‌های خویش پشیمان خواهند شد؛ در حالی که پشیمانی هیچ سودی نخواهد داشت.

﴿فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُسَارِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ نَخْشَى أَنْ تُصِيبَنَا دَائِرَةٌ فَعَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَ بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِنْ عِنْدِهِ فَيُضْبِحُوا عَلَى مَا أَسْرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ نَادِمِينَ﴾

**ترجمه:** می‌بینی کسانی که در دل‌هایشان بیماری است در [دوستی] با آنان شتاب می‌ورزند، می‌گویند می‌ترسیم به ما حادثه ناگواری برسد؛ امید است الله از جانب خود فتح [منظور] یا امر دیگری را پیش آورد تا [در نتیجه آنان] از آنچه در دل خود نهفته داشته‌اند، پشیمان گردند.

11 جمادی الأول 1441 هـ.ق

6 جنوری 2020 م